در تاریخ ۰۷ آذر ۱۴۰۰
فقه هنر (1400-1401)

جلسه 5

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین وصلی الله علی محمد و آله الطاهرین

حکم اولی فعل هنری و بررسی عوارض مغیر احکام آن

امروز بحث پنجمی را ما با شما داریم ادبیاتی هم ندارد بیشتر هم شما باید دقت کنید شما باید پرونده را باز بگذارید و روی آن کار کنید

یک بحث: بررسی حکم اولی فعل هنری؛

و مبحث بعد: بررسی عوارض مغیر؛

حکم اولی فعل هنری

مقصود من از این بحث این است که ما گاه یک تعین خاص از فعل هنری را مورد بحث وگفتگو قرار دهیم مثلا غنا ، شعبده بازی ،کاریکاتور، فیلم ،مجسمه سازی ؛این ها تعینات فعل هنری است ...

ورود به این تعینات و مصادیق برای جلسات آینده باشد و اصولا صحبت از این ها صحبت از فلسفه فقه هنری نیست؛در واقع خود فقه هنر است.....

امروز مبحث ما این خواهد بود که اصل هنر بدون توجه به این که در چه قالبی در آمده است، آیا اصل هنر حکم دارد یا نه؟اگر دارد چیست حکم آن؟ اباحه است کراهت است و یا استحباب؟

بحث دیگری که داریم عوارضی که حکم را تغییر میدهد چیست؟و نکاتی که دارد در درس امروز آن ها را مطرح می کنیم.

نکته دیگر این که علیرغم این که ما هنر را تعریف کردیم، ولی حالا که می خواهیم حکمش را بیان کنیم باید این نهاد را بیشتر مورد توجه قرار دهیم.

نکته خودش حکم بردار نیست و مثل صفات است!ما در بحثهای فقهی گاهی اوقات می گوییم فلان چیز از حالات و از صفات است ؛ یک صفت است و نمی توان برای آن حکم تعیین کرد ... مثلا بسیاری از وقتها هم اشتباه می کنیم و می گوییم حسادت از گناهان کبیره و حرام است، سوال این است که آیا حسادت به عنوان یک صفت نفسانی حرام است؟یا ترتیب آثاری که انسان بر حسادت می دهد؟یا نهایتا بگوییم اسباب اختیاریش هست که ادم دنبال کند که حرام است...سوال این است که نفس حسادت اگر هیچ بروز خارجی نداشته باشد چگونه قائل به این باشیم که حرام است؟!مگر این که کسی قائل به این شود که چیزی که بروز خارجی ندارد اصلا حسادت نیست.

این آثار را یا روی فرایند تحصیلش یا برایند حصولش باید در فتوا توجه کنیم.

آقای ناظم الاطبا نفیسی نقل می کند و می گوید : هنر عبارت است از : معرفت، دانش، فضیلت و کمال ...

اگر این ها باشد که نمی توان گفت حکم دارد ... مثلا بگوییم حکم اولی دانش ...

می رویم یادداشت های دهخدا را نگاه می کنیم می گوید: هنر؛ کیاست، فراست، زیرکی ...

اگر این ها باشد که ما بحث نداریم؛ حداقل این است که ما این جا انگیزه نداریم که بحث کنیم ...

مرحوم معین می گوید: هنر؛ طریقه اجرای امری طبق قوانین و قواعد ...

ولی فقه و هنری که ما می خواهیم بحث کنیم این نیست ؛

به نظر شما بهترین تعریف در زمان معاصر چه می تواند باشد؟

این که بگوییم هنر؛ خلقی بهتر از عادت و عرف...یا بگوییم تولید غیر عادی ...

یک موقعی من می آیم و تابلوی عصر عاشورا را می کشم و یک زمانی آقای فرشچیان این کار را می کند معلوم است که کار من صرفا خراب کردن قلم و کاغذ است ....
یک دفعه من شعر می گویم و زمانی هم حافظ ...مواد همان است و کلمات و حروف اما این کجا و آن کجا !!
اگر چیزی فوق عادت و معمول باشد می گوییم هنر ....
البته یک بحثی است و آن این که الزاما هنر آیا باید جنبه ارزشی داشته باشد؟یا نه ؛ همین که خلاف عادت و جذاب باشد کافی است؟!
صرف این که بگوییم خلق فائق و مطبوع یا این که نه آن ها را هم ملحق کنیم....
نمی شود گفت که اصطلاح فیکسی دارد ...
سوال این است که آیا ما می توانیم هنر را در مقوله هایی که مربوط به روان و روح است به کار ببریم یا در غیر این مقوله ها؟
حالا اگر کسی در شیمی یا فیزیک یا زیست و ...توانست خلقی داشته باشد و به نوعی نوآوری داشته باشد آیا می توان عنوان هنر به کار او داد یا کار او نوعی ابتکار است؟
مجموعا یک خلق فائق ...
سوال این است که چرا ما به شعر می گوییم هنر یا به نقاشی می گوییم هنر ....
هنر را خلق فوق عادتی می دانیم که مجموعا برتری هایی دارند ...
اگر هنر را به همین معنی خلق مطبوع ، بدیع، فائق بگوییم در واقع کف آن از استحباب شروع می شود یک روایتی هست از پیامبر صلوات الله علیه و آله و از امیر المومنین علیه السلام از امام صادق و امام رضا علیهما السلام
● إن الله جميلٌ يُحِبُّ الجمال، و يُحِبُّ اَنْ يَرى اَثَر النِعمة على عَبْدِه
خداوند جمیل است و جمال و زیبایی را دوست دارد. همچنین دوست دارد که اثر نعمت‌های خود را در مردم مشاهده نماید.
یحب در این حدیث ، استحباب فعل هنری از آن برداشت می شود .و اگر کسی د رباب استحباب آن مناقشه کند ، نادرست است.کف فعل هنری از استحباب شروع می شود ....
و یا جرج جرداق مسیحی اثری فوق العاده ای را که در بیان امام علی علیه السلام دیده بود او را میخکوب نهج البلاغه کرده بود و باعث شده که عمر و حیات خود را روی این اثر پیاده کند اینها همان مقوله زیبایی هنر د ربیان است که یک غیر مسلمان را ذلیل خود می کند و باعث می شو د که او رویکردش را عوض کند و اثری بی بدیل به نام الامام علی صوت العدالة الانسانیة را به یادگار به جا گذارد.

جریان استحباب فعل هنری را می توان از این آیه استخراج کرد:
● قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ ۚ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ كَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ
بگو: چه کسی زینت‌های خدا را که برای بندگان خود آفریده حرام کرده و از رزق حلال و پاکیزه منع کرده؟ بگو: این نعمتها در دنیا برای اهل ایمان است و خالص اینها (یعنی لذات کامل بدون الم، و نیکوتر از اینها) در آخرت برای آنان خواهد بود. ما آیات خود را برای اهل دانش چنین مفصل و روشن بیان می‌کنیم.
معمولا در بحث های فقهی ، کاری که تا کنون از ناحیه حوزه های نجف انجام شده (فقه نجف) معمولا تاسیس اصل را اهمیت می دهند ... اگر ما در یک حکم هنری یا همین بحث خودمان اگر بخواهیم تاسیس اصل کنیم، اصل بر جواز است ... یا کسانی که معتقدند در شبهات باید احتیاط کرد که به اینها اصالة الحظر یا اصالة الوقف می گویند
براساس نظر و مبانی امامیه ، اصل بر برائت و جواز واباحه است ..این هم مثل سایر پدیده ها اگر شک کنیم، در اصول پدیده هنر، اصل می شود جواز ...
ما تاریخ هنر را که نگاه می کنیم نگاه فقها عمدتا به پدیده های هنری ،نگاه حظر و منع بوده است...
انسان وقتی نگاه می کند مبانی محکمی برای برخی تحریمها نمی بیند ....
در بیان شیخ انصاری ببنید چه سهمی در نگاه شک و تشکیک در این مقوله دارد ..

نعم لو خص اللهو بما یکون من بطر و فسر بشدة الفرح کان الاقوا تحریمه .....
هر فعلی که انسان بعد از شدت فرح انجام میدهد آیا حرام است؟!!
حال اگر شخصی پسرش ده سال بود که گم شده بود به او خبر دادند که پسرت پیدا شده او ممکن است یک حرکتی از سر خوشحالی انجام دهد و بالا و پایینی هم بشود آیا کان الاقوا تحریمه؟! و بعد هم بگوییم: یدخل فی ذلک الرقص والتصفیق والضرب بالطشت بدل الدف ....
اصولا ضمن احترامی که به بزرگان می گذاریم این گونه نگاه ها ، قابل توجیه نیست.
در ادامه هم میگوید و لو جعل مطلق الحرکات (اگر لهو را مطلق حرکاتی بگیریم که غرض عقلایی در آن نیست، و منبعث از قوای شهویه است که دراین جا سوال می شود کدام شهوت ؟ شهوت جنسی یا حب ریاست یا پول؟)
ببینید من چه مطلبی را می خواهم بگویم ؛ می خواهم عرض کنم که نگاه یک نوع نگاه تنزیهی و تحریمی بوده است.و به نظر می رسد که این گفتمان پشت این حرفها بوده که اگر ما بگوییم حرام است، خیالمان راحت تر از این است که بگوییم حلال است!!
و من با برخی از رفقا که در ارتباطم ، طرز بینش و تفکر آن ها این است....
و لذا نه این حرکت، کار صحیحی است و نه نگاه اباحی گری....
و جالب این است که این دو تا رفتار همدیگر را نگه میدارند....در یک مساله همیشه افراط و تفریط همدیگر را نگه میدارند ...
نگاه افراطی هماره مجوز به آن رفتار و نگاه اباحی گری می دهد.....
هر تزی ، آنتی تز خودش را رشد می دهد ...و نگاه اباحی گری هم اجازه به این گونه احتیاطات می دهد ...
ما د رفقه هنر، نگاه تنزیهی و تحریمی را شدید تر می بینیم...تا نگاه اباحه ...
نکته دیگر روی بحث عوارض است؛ ما گفتیم فقه هنری از استحباب شروع می شود اما ممکن است کسی پیدا شود و بگوید از اباحه شروع می شود ؛ بسیار خوب! از اباحه شروع شود؛
فعل هنری زود به سمت وجوب می چرخد ....یا ممکن است بغلتد به سمت حرمت ...
فرض کنید یک پدیده هنری ، وسیله تبلیغ دین باشد....آیا در این هنگام می توانیم بگوییم این کار ، یک کار فرهنگی خوبی است یا اینکه باید بگوییم اصولا واجب است؟
اگر فیلمی ساخته شد که هم کار سالمی بود هم برای دین جوانان مناسب بود این به طرف وجوب می رود ...
ممکن است حتی یک رفتار، هنر باشد ....
این رفتار پیامبر که خاکستر روی سر مبارکش می ریزند و ایشان بعد دو سه روز متوجه می شود که آن شخص مریض شده و به عیادتش می رود این یک رفتار هنری است....(گرچه من تحقیق نکردم راجع به اصل صحت این مطلب)
این نوع رفتارها که گاهی از برخی ائمه داریم یک رفتار هنری که واجب است...
اما رفتار حرام؛ اگر شعر باشد یک جمعیتی را به هم میریزد ...
واسطه در عروض یا ثبوت
آیا جایی که فعل هنری واجب می شود یا حرام می شود ،بروز آن عنوان به فعل هنری آیا واسطه در عروض است؟یا واسطه در ثبوت است؟
مخصوص فعل هنری هم نیست؛ پدیده های دیگر هم همین طور است...
این عوارضی که می گوییم فعل از عنوان اولی خود خارج میشود آیا درست است؟ یا ما داریم مسامحه میکنیم ...
در خصوص موضوع حضور زن در انتخابات که اولین باری که مطرح شد آقایان قم قاطبتا مخالفت کردند ... ما می گوییم از نظر شمااین عارض فاسد می شود واسطه در ثبوت حرمت برای خود حضور زن ... واسطه هم صفتش را میدهد به ذوالواسطه حقیقتا.
مثل آتش که واسطه جوش آمدن آب است و حقیقتا آب را داغ میکند و ما می گوییم واسطه د رثبوت حرارت برای آب ...
اما واسطه در عروض ، واقعا واسطه نیست اما می توان نسبت داد ...شماوقتی ماشین سوار می شوید و از تهران به قم می آیید میگویند آقای فلانی حرکت کرد که بیاید به قم ..سوال این است که آیا این شما بودید که حرکت کردید؟در واقع ماشین است که حرکت کرده اما این قدر این اصطلاح رایج است که می گوییم فلانی حرکت کرده و آمده به قم ...

لذا حرکت سفینه واسطه د رثبوت حرکت برای راکب سفینه نیست...واسطه در عروض است ... مجاز در اسناد است...سوال این است که این واسطه در عروض است یا واسطه در ثبوت است؟

اگر یک فعل هنری مصداق تبلیغ دین باشد و تبلیغ دین هم واجب است پس این کار هم واجب است....آیا این جا می توان گفت خود هنر واجب است؟یا این که مثل حرکت سفینه است؟

خودهنر واجب نیست؛ تبلیغ دین واجب است....

و این هم مصداق تبلیغ دین است؛ پس واجب است ...

از نظر فقهی ، برخی مثل فیض کاشانی ، محقق سبزواری ...این ها می گویند غنا و آواز خوانی بماهو حرام نیست؛ چون یدخل الرجال علی النساء و تدخل النساء علی الرجال ...این کارها باعث حرمت می شد ...

آن جا بحث است که این عوارض آیا خود غنا را حرام می کند یا این که آن جا خود غنا حرام نیست؛ این ها حرام است....واین اشتباه است که بگوییم غنا حرام است وقتی دخول الرجال علی النسا و یا دخول النساء علی الرجال باشد ....اما طبق واسطه در ثبوت غلط نیست...و حتی می توان گفت دو تا حرمت است ؛ یکی : غنا و دیگری: دخول الرجال علی النساء و یا دخول النساء علی الرجال است ....

روی این بحث تاملاتی داشته باشید چون آن قدر ها هم این بحث روشن نیست؛و چون بحث یک جریان و یک بحث عامی است دوست دارم تامل کنید ...

مثلانماز شب یک امر مستحبی است اما واجب می شود به دستور پدر یا نذر ....اما برخی این جا حاشیه می زنند که نماز شب واجب نیست؛ اطاعت والد واجب است ...می گویند امر پدر واسطه در عروض است نه واسطه در ثبوت ....

یا برخی گفته اند چرا می گویید نماز شب بخاطر نذر واجب است نه بگویید الوفاء بالنذر واجب است ...

وقتی این بحث ها را مطرح می کنیم وقتی در بحث غنا نظر مخالفین را بیان میکنیم نیاز به معطل شدن نداریم....

آخرین نکته راجع به بحث پنجم؛ گفتم که عوارض برخی اش روشن است با همین مثالهایی که زدم و برخی نیاز به روشن شدن دارد ...

مثلا در غنا اختلاط زن و مرد شود، یا در فیلم زن مکشوفة الراس بیاید اما گاهی وقتها یک سری عوارض هست که جای بحث دارد...

مثالی دیگر بزنم

چهره معصوم را به نمایش گذاشتن ...

و توجیه کار این گونه کارگردانان و فیلمسازان هم این است که در فیلمهای واقعی پوشاندن چهره کار را تصنعی می کند و فضا را از حالت طبیعی خارج می کند ...

ادامه بحث برای جلسه آینده باشد و اگر سوالی بود در جلسه بعد طرح و پاسخ داده خواهد شد.

الحمد لله رب العالمین